**ارتباط­های غیرکلامی در داستان رستم و سهراب فردوسی**

**چکیده**

هر ارتباطی به رمز و رمزگذاری پیوسته است و منظور از رمز، هر نوع ترتیب و توالی منظم و یکپارچه است که دربرگیرندۀ نمادها، کلمات و حروف است که به گونۀ اختیاری برای انتقال مفاهیم و یا ارتباط به کار گرفته می ­شوند. بنابراین دو دسته از رمزها وجود دارند: رمزهای کلامی و رمزهای غیرکلامی. رمزهای غیرکلامی دربرگیرندۀ آن رمزهایی هستند که به حرکات بدنی، استفاده از زمان و فضا، لباس، آرایش و صداهایی که به زبان مربوط نیستند، بستگی دارند. در این مقاله سعی شده است تا با دیدگاهی میان رشته­ای، داستان رستم و سهراب فردوسی از منظر ارتباطات غیرکلامی بررسی شود و مشخص گردد که فردوسی کاربرد گسترده­ای از انواع ارتباطات غیرکلامی در این داستان داشته و آن را در جهت پویایی، حرکت­پذیری و حقیقت­نمایی جریان داستان و اثرگذاری بیشتر بر مخاطب و اقناع او استفاده کرده است. پربسامدترین و برجسته­ترین پیام­های برگرفته شده از نشانگرهای غیرکلامی، یکی، «غم و اندوه» و دیگری «خشم و نبرد» است که کاملاً هماهنگ با داستان تراژیک-حماسی رستم و سهراب­اند. در این مقاله، ارتباط­های غیرکلامی داستان رستم و سهراب با روش توصیفی-تحلیلی و ارائۀ نمودار و بسامدگیری بررسی شده­اند.

**واژگان کلیدی:** ارتباط غیرکلامی، زبان بدن، رستم و سهراب، فردوسی.

**1-مقدمه**

زندگی از نحوۀ ارتباط انسان­ها نشأت می­گیرد و بدون ارتباطات زندگی معنی ندارد. به همین جهت، انسان ها از دو طریق برای انتقال پیام و ایجاد ارتباط استفاده می کنند: یکی با کلام و گفتار و دیگری بی کلام و از طریق زبان بدن. تعاریف متعددی برای ارتباط غیرکلامی و زبان بدن آورده شده است؛ اما در تعریفی جامع می­توان گفت «ارتباط غیرکلامی، عبارت است از پیام های آوایی و غیرآوایی که با وسایلی غیر از وسایل زبانی و زبانشناسی ارسال و تشریح شده است» (فرهنگی، 1375: 22). بنابراین، هر گونه حرکات درونی، احساسات، آرزوها و تمایلات، همگی از طریق بدن نمود پیدا خواهند کرد؛ چیزی که «بیان تنی» گفته می شود (مولکو، 1386: 24). با مطالعۀ کلام جسم، نه تنها قدرت فهمیدن عمیق ترین افکار دیگران را پیدا خواهیم کرد؛ بلکه آنچه که کلام جسم بازگو می کند، نوعی گفتگو با بخش نیمه آگاه ذهن شماست و این امر، دلیل اهمیت این نوع وسیله ارتباطی است (جیمز، 1385: 77). بیردوسیل نشان داده است که تنها 35 درصد از معنی در یک وضعیت خاص با کلام به دیگری منتقل می شود و 65 درصد باقیماندۀ آن در زمرۀ غیرکلامی است. این موضوع بر اساس عقیدۀ «آلبرت مهرابیان» 7 درصد، پیام های کلامی و 93 درصد، غیرکلامی است (همان: 273). اگرچه نتایج متفاوت است؛ اما بیانگر اهمیت «نشانه های غیرکلامی» در ارتباط و انتقال پیام و معنی در میان افراد است. بنابراین، زبان بدن همیشه روشن تر از گفتار ما عمل می کند. داستان رزمی-تراژیک رستم و سهراب، نمونه ای از چندین داستان پرشور و خواندنی شاهنامۀ فردوسی است که ظرفیت بالایی برای پرداختن به ارتباط غیرکلامی در آن وجود دارد؛ چرا که شکل داستانی و حماسی و همچنین جنبۀ تراژدیک داستان نقش مهمی در کاربرد نشانه های ارتباط غیرکلامی دارد. قصد نگارنده در پژوهش حاضر، بررسی و تحلیل داستان رستم و سهراب فردوسی با استفاده از رویکرد زبان بدن است؛ تا از سویی، میزان کاربرد و تنوع حرکات اندامی در جریان داستان مشخص شود و از سوی دیگر، چگونگی و میزان اثرگذاری و نقش این مقوله در این داستان بررسی شود.